

اصفهان شهر مساجد

شهرام امیری

کارشناس میراث فرهنگی و گردشگری

«اصفهان» یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است، به گونه‌ای که بنای شهر اصفهان را به «تیمورت دیوبند» پادشاه اسطوره‌ای سلسله‌ی پیشدادی نسبت داده‌اند. این نکته نشان دهنده‌ی قدمت این شهر در فلات مرکزی ایران است. اصفهان، در ادوار تاریخی پیش از اسلام دارای اهمیت فراوانی بود، به گونه‌ای که در دوران شاهنشاهی هخامنشیان با نام‌های «جی»، «گیا»، «تی» و یا «گابیان» خوانده می‌شد. در دوران شاهنشاهی اشکانیان، با توجه به شهادت منابع تاریخی به نظر می‌رسد، به دلیل امنیتی که این شهر نسبت به نسیفون (پایتخت اشکانیان در عراق) داشت، «پارتها»، اصفهان را مخزن اوراق و اسناد دولتی خود کرده بودند. در عصر سلطنت شاهنشاهان «ساسانی»، اصفهان در قلمرو اشراف (نژادگان) و الایتبار آریایی نژاد (وسیوهون) قرار داشت و به دلیل قرار داشتن در مرکز شاهنشاهی و با توجه به زاینده رود، از نظر نظامی و اداری دارای اهمیت فراوانی بود. لذا در این دوران نیز با نام‌هایی نظیر «سیاهان» و «سیهان» به معنای اردوگاه سپاهیان خوانده می‌شد. (در دوران اسلامی، اصفهان در سه دوره‌ی تاریخی در کنار فراز و نشیب‌های فراوان به عنوان پایتخت سلسله‌های «دبالمه»، «سلاجقه» و «صفویان» انتخاب شد. لذا این شهر از هر کدام از این دوران‌ها، یادگارهایی را در خود جای داده است که از آن جمله می‌توان به مسجد «جامع عتیق» (دائره‌المعارف هزار سال تحول معماری ایران)، قلعه صبرک، قلعه شاه دز ... اشاره کرد. در دوران شاهنشاهی خاندان «صفوی» یعنی هم زمان با سده یازدهم هجری قمری (سده هفدهم میلادی) بود، که اصفهان از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رونق فراوانی یافت و یکی از بزرگترین و توسعه یافته‌ترین شهرهای مشرق زمین به شمار می‌رفت.

اصفهان شهر مساجد

پس از انتخاب اصفهان به پایتختی سلسله صفوی و بلوغ

فکری و اعتقادی مردمان فلات مرکزی ایران و در طول ۱۴۰۰ سال تمدن دوران اسلامی، مساجد متعددی در اصفهان بنا گردید که هر کدام از نظر معماری و تزئینات وابسته به آن در نوع خود در سراسر جهان اسلام کم نظیر و یا حتی شاید بی نظیرند. روی همین اصل، این شهر به غیر این که با تمثیل معروف «اصفهان نصف جهان» خوانده شده به عنوان «شهر گنبدهای فیروزه‌ای» هم مشهور شده است. پس از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان در دوران سلطنت شاه عباس اول صفوی (۱۰۰۶ هـ.ق)، فعالیت عمرانی وسیعی را شاه و کارگزارانش و در رأس آنان، شیخ بیاه‌الدین جبل عاملی، جهت توسازی و بهسازی پایتخت بزرگترین امپراطوری ایران پس از اسلام انجام پذیرفت. در این میان فعالیت در زمینه ساخت و ساز مسجد آن هم در پایتخت سلسله‌ای که تشیع دوازده امامی را به عنوان مذهب رسمی ایران پذیرفته بود، بسیار چشمگیر بود و این نکته هم زمان با شکل‌گیری «مکتب اصفهان» بود که در حوزه‌های مختلف فکری جهش بزرگی را در توسعه فرهنگ و تمدن ایران پس از اسلام پدید آورد. روی همین اصل در اکثر محلات اصفهان (جدای از مساجد جامع، مساجد متعددی بنا گردید، به گونه‌ای که این مطلب از دید گردشگران خارجی نیز پوشیده نماند. لذا برخی از این گردشگران نظیر: «دن گارسیا»، «کمپفر» و «شوالیه شاردن» در سفرنامه‌های خود از مساجد اصفهان سخن رانده‌اند. (درباره اهمیت این مطلب به سفرنامه «شوالیه شاردن» می‌توان اشاره نمود که تعداد مساجد اصفهان را در عصر صفوی ۱۶۲ باب بر می‌شمارد. حال با توجه به مجال اندکی که پیش‌رو است، کوشش شده تا درباره‌ی مساجد اصفهان در عصر صفوی سخن رانده شود که در این میان، سه باب از ممتازترین مساجد اصفهان که در طول بیش از یکصد سال تحول معماری و شهرسازی این شهر (در طول دوران پایتختی اصفهان) در عصر صفوی بنا شده‌اند

یعنی در طی سال‌های ۱۰۰۶ تا ۱۱۴۸ هـ.ق انتخاب و معرفی می‌شوند.

مسجد امام (جامع عباسی)

«مسجد امام» در حیبه جنوبی میدان «نقش جهان» قرار دارد و از نظر گردشگران خارجی از جمله بزرگترین و زیباترین مساجد جهان اسلام به شمار می‌رود. این مسجد در سال ۱۰۲۰ هـ.ق به فرمان «شاه عباس اول» بنا شد. معمار آن «استاد علی‌اکبر اصفهانی» یکی از مشهورترین معماران مکتب اصفهان در شهرسازی عصر صفوی است. (با توجه به فشاری که شاه عباس برای اتمام این مسجد به معماران وارد آورد سر در و تزیینات کاشیکاری وابسته به آن به منظور تکمیل آرایش اطراف میدان در سال ۱۰۲۵ هـ.ق به اتمام رسید. ساخت و ساز و تزیین سایر قسمت‌های این مسجد عظیم تا آخرین سال حیات شاه عباس اول (۱۰۳۸ هـ.ق) ادامه داشت، لکن ادامه ساخت بنا و مرمت فضاهایی که به مسجد اضافه شد، در زمان جانشینان وی یعنی شاه صفی اول، شاه عباس دوم و شاه صفی دوم (سلیمان) ادامه یافت. به گونه‌ای که آخرین تاریخی که در کتیبه‌های این مسجد موجود است، کتیبه سر در غربی مسجد است که سال ۱۰۷۷ هـ.ق را بر خود دارد. هنگامی که سر در مسجد به پایان رسید، شاه عباس اول مسجد را به ساخت «حضرت مهدی صاحب زمان» تقدیم کرد. درباره‌ی این مسجد و زیبایی‌های منحصر به فرد آن سخن بسیار رفته، لکن آنچه می‌توان در اینجا به عنوان خلاصه‌ای از تمامی گفته‌های محققان و گردشگران اشاره کرد، چنین است: «در انتهای میدان نقش جهان ایوانی بلند قرار دارد که بر روی دهلیزی بنا شده و سقفش با مقرنس و کاشی‌های مینادار و آیات قرآنی مزین گردیده و در دو طرفش دو مناره بلند است که روی بدنه‌ی آن همان تزیینات به شکل مارپیچ به کار رفته است. برخی محققان این ایوان را یکی از زیباترین و گیراترین ایوان‌هایی که در ایران بنا شده و حتی یکی از چشمگیرترین و اغناکننده‌ترین ایوان‌هایی که در جهان بنا شده می‌دانند. در بالای این ایوان شکل دو طاووس بر روی کاشی جلوه‌گری می‌کنند، که نمادی از پرندگان بهشتی هستند. درب اصلی مسجد که در زیر مقرنس‌های باشکوه ایوان ورودی قرار گرفته با نقره و طلا پوشش یافته و حاوی اشعاری در حاشیه در با خط نستعلیق حک شده و سال نصب در را به دوران شاه صفی

اول (با حروف ابجد) نسبت می‌دهد.

پس از عبور از ایوان سر در ورودی، وارد یک هشتی با دالانی که در وسط آن سنگاب بزرگ قرار دارد می‌شویم و سپس بدون اینکه بازدیدکننده احساس کند تیم چرخ‌بی به سمت راست (در زاویه ۴۵ درجه) می‌زند، که این نکته از یک سو باعث شده تا بنای اصلی گنبدخانه و محراب مسجد به سمت قبله قرار گیرد و از سوی دیگر این انحراف بنای اصلی نسبت به ایوان ورودی و میدان چنان استادانه انجام شده، که باعث می‌شود تمامی بنای اصلی مسجد از تمامی جهات میدان در کنار ایوان ورودی قابل رؤیت باشد.

پس از عبور این دالان است که صحن اصلی مسجد نمودار می‌شود، بنایی که با تزییناتی حاوی صد هزار قطعه کاشی فیروزه‌ای و سبز و زرد رنگ با نقش‌های گل و بوته در فضایی روحانی جلوه‌گر می‌شود. در ابتدا صحن اصلی و سپس فضای اصلی مسجد که به صورت چهار ایوانی است در اطراف صحن اصلی پدیدار می‌شود، در روبرو فضای گنبدخانه و شبستان‌های اصلی و در طرفین ایوان‌های دیگر مساجد و دو مدرسه دینی تائبستانی و زمستانی ویژه طلاب علوم دینی خودنمایی می‌کند، که در یکی از آنها ساعت شاخص شرعی نیز وجود دارد. در اینجا گویی همه چیز از حالت مادی خارج شده و حالتی روحانی و آسمانی می‌یابد. هر چیز در این مکان ناگاه حالتی از رویش و کمال می‌یابد، همه‌ی موجودات و ذرات عالم واسطه‌ای می‌شوند، میان انسان و عالم ماوراءالطبیعه و پیوندی شگفت‌انگیز میان آسمان و زمین پدید می‌آید.

نکته قابل توجه درباره‌ی این مسجد، گنبد رفیع و با عظمت، شبستان اصلی همراه با دو گلدسته است. این گنبد به شکل دو پوسته (دو پوش) ساخته شده به گونه‌ای که صدا در زیر آن چندین بار انعکاس می‌یابد. ارتفاع بنای اصلی و گنبدخانه از سطح صحن اصلی تا بالای گنبد و مناره‌ها بیش از ۵۰ متر است. نکته قابل توجه دیگر در این بنای عظیم، وجود کتیبه‌های متعدد در سر در ورودی و ایوان‌های داخلی است که همگی با خط زیبای اساتید خوشنویسی عصر صفوی همچون «علیرضا عباسی» و «محمد رضا امامی» بر روی کاشی‌های ایوان نگاشته شده‌اند. همچنین تمامی دیوارهای کریدورها، حیاط، شبستان‌ها، چهل‌ستون‌های مسجد (شبستان‌های اصلی) و دیوارهای مدارس دینی به ارتفاع دو متر از کف با سنگ‌های نفیس پوشیده شده‌اند، که این نکته

در محراب شبستان اصلی و منبر کنار آن نیز واضح‌تر به چشم می‌خورد.

اگر بخواهیم، در یک جمله این مسجد زیبا را وصف کنیم، تنها می‌توان به ذکر این جمله اشاره کرد که، تمامی تزئینات کاشی‌های معرق و هفت‌رنگ این مسجد زیبا و نقوش مربوط به آن که همگی گل و بوته و شکوفه‌های بهاری هستند، نمادی از حضور جلودانی روح در باغ‌های آسمانی هستند.

مسجد شیخ لطف اله

در جانب شرقی میدان نقش جهان مسجدی سرپوشیده همراه با کاشی کاری و گنبد منحصر به فرد خود می‌درخشد. این مسجد درست مقابل کاخ «عالی قاپو» قرار دارد و از جمله زیباترین مساجد جهان اسلام به شمار می‌رود. طرح این مسجد در زمانی که نقشه‌ی چهارباغ و باغ هزارجریب به مرحله اجرا درآمد، ریخته شد. لذا در سال ۱۰۱۱ هـ.ق کار ساخت مسجد آغاز و در سال ۱۰۲۸ هـ.ق به اتمام رسید. در حین اتمام این مسجد بود، که شاه عباس و کارگزارانش به فکر ساخت مسجد جامع عباسی در سمت جنوبی میدان افتادند. «شاه عباس اول» دستور ساخت این مسجد را به افتخار حضور یکی از روحانیون برجسته‌ی شیعه که از جبل عامل لبنان به ایران آمده بود، داد. و به نام وی یعنی «شیخ لطفاله جبل عاملی» نامگذاری کرد. پس از اتمام بنا، از آن برای عبادت خود و خانواده‌اش و همچنین شیخ لطفاله استفاده کرد. همچنین دستور داد، در کنار مسجد، مدرسه‌ای بنا شود تا شیخ به تواند در آنجا به تدریس علوم دینی بپردازد. بر اساس گزارش منابع تاریخی، شیخ لطفاله تا زمان مرگش در سال ۱۰۲۲ هـ.ق، در این مسجد و مدرسه به تدریس و عبادت اشتغال داشت. با توجه به این که مسجد، محل تدریس شیخ لطفاله و محل عبادت خاندان سلطنتی بود، هیچ یک از گردشگران خارجی در عهد صفویه به مسجد راه نداشتند، و نتوانسته‌اند گزارش جامعی از آن ارائه کنند.

در یک نگاه کلی مسجد شیخ لطفاله در مقایسه با مسجد امام، طرحی ساده دارد و آن عبارت است از، گنبدی بزرگ بر روی تالاری مربعی شکل که دارای صحن و گلدسته نیست. اما آنچه آن را از سایر مساجد متمایز می‌کند، تزئینات منحصر به فرد، طراحی و معماری آن نسبت به زاویه «قبه» و میدان است. در ابتدای ورود به این مسجد، با ایوان زیبایی برخورد می‌کنیم، که با کاشیکاری و مقرنس‌های زیبایی تزئین یافته و کمی از سطح میدان بلندتر است. کتیبه‌ی سر در، ایوان به خط ثلث و با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی کار «استاد علی‌رضا عباسی» است. پس از آن به یک دالان وارد می‌شویم، در اینجا معمار، هنرمندانه با یک چرخش ۴۵ درجه بیننده را به شبستان اصلی هدایت می‌کند. این دالان از محور شمال به جنوب چرخشی به سمت قبه دارد، بدون این که بیننده متوجه انحراف مسجد نسبت به زاویه میدان شود. بنای مسجد، بر یک چهارضلعی استوار است که در قسمت بالاتر به هشت ضلعی تبدیل شده و در نهایت دایره‌وار به

ساقه‌ی گنبد می‌پیوندد. گنبد این مسجد، کم ارتفاع‌تر از مسجد امام است و از خارج دارای خطوطی اسلیمی است که به طور باشکوهی بر زمینه‌ی نخودی‌رنگ گنبد گسترده شده و هماهنگی بی نظیری را در نقش و طرح رنگ به نمایش می‌گذارد. اما اوج هنر تزئینات مساجد اصفهان، در شبستان اصلی و فضای داخلی گنبد «مسجد شیخ لطفاله» نمایان می‌شود، که اوج نبوغ هنرمندان خداجوی ایرانی است. در داخل گنبد و رأس آن شبکه‌ای از نقوش لیمونی شکل ایجاد شده، که با دور شدن از سمسره‌ای که در رأس قرار دارد، بزرگتر می‌شوند. این نقوش با آجر ساده احاطه شده‌اند و داخل هر نقش با طرح شاخ و برگ که روی گچ نشانده شده زینت یافته‌اند. در ادامه کتیبه‌هایی به صورت کمر بند دور فضای داخلی گنبد را فراگرفته‌اند، که آیاتی از قرآن کریم را برخوردارند. در اینجا دست هنرمند «علیرضا عباسی» کلام خدا را هنرمندانه بر روی کاشی نگاشته است. پس از آن نور از درون پنجره‌های مشبکی که دور تا دور ساقه‌ی گنبد را فراگرفته، به درون می‌تابد، پرتو افکنی شعاع‌های نور از درون مشبک‌های پنجره همراه با سایه روشن و کاشی‌های زیبای معرق و هفت‌رنگ همراه با نقوش اسلیمی که از رأس گنبد تا کف زمین را در بر گرفته، فضائی روحانی را به این نمازخانه کوچک می‌بخشند، که وصف ناپذیر است. نکته قابل توجه، محراب زیبایی مسجد شیخ لطفاله است، که با هزاران قطعه کاشی معرق و مقرنس‌های زیبا تزئین یافته است. در اینجا معمار این عبادتگاه با شکوه، در دو لوح کوچک در درون محراب با تواضع تمام خود را چنین معرفی می‌ماید: «عمل حقیر محتاج برحمت خدای محمدرضا بن استاد حسین بن اصفهانی». این مسجد دارای شبستان زمستانی در زیر شبستان اصلی است؛ که محل تدریس و وعظ و همچنین اقامه نماز در فصولی همانند زمستان بوده است. در وصف این مسجد زیبا بسیار میتوان سخن گفت لکن در پایان به این جملات میتوان بسنده کرد: «کوچکترین نقطه ضعفی در این بنا دیده نمی‌شود، اندازه‌ها بسیار مناسب، نقشه‌ی طرح بسیار قوی و زیبا و به طور خلاصه توافقی است، بین یک دنیا شور و هیجان و یک سکوت و آرامش با شکوه که نماینده‌ی ذوق سرشار زیبا شناسی بوده و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی‌تواند داشته باشد.»

مسجد چهارباغ

«مسجد چهارباغ» در بخش شرقی گردشگاه بزرگ چهارباغ قرار گرفته و در اواخر عصر صفوی به منظور استفاده طلاب علوم دینی بنا شد. تاریخ شروع بنا سال ۱۱۱۶ هـ.ق است و در واپسین ایام سلطنت خاندان صفوی یعنی در سال ۱۱۲۶ هـ.ق و در دوران سلطنت «شاه سلطان حسین» (آخرین شاه صفوی پیش از هجوم افغانه به ایران) به پایان رسید. این مسجد با نام هائی نظیر مسجد سلطانی نیز خوانده می‌شده، هم چنین به دلیل این که به دستور مادر شاه سلطان حسین این مسجد بنا شد و وی موقوفاتی را نیز برای آن

تعمین کرد، به نام مسجد «مادرشاه» نیز معروف بود. مدرسه چهارباغ، همان طور که عنوان شد در شرق محور اصلی چهارباغ واقع شده و در شمال آن بازار بزرگی است که در آن عصر با نام «بازارچه شاهی» معروف بود و هم اینک با نام «بازار هنر» خوانده می شود. هم چنین در جانب شرقی مسجد کاروانسرای عظیمی از عصر صفوی باقی است که در دهه های اخیر با تغییر کاربری به یکی از زیبا ترین اقامتگاه های ایران و حتی جهان تبدیل شده است.

مدرسه ی چهارباغ، شامل سردری با شکوه و زیبا است که هنده طاق نما به صورت دو طبقه و از جنس آجر در دو طرف سر در ورودی خودنمایی می کنند. در ساختن ازاره ها و سکوهای که در طرفین سردر ایجاد شده، از سنگ مرمر استفاده شده است. سر در ورودی، حاوی تزئینات باشکوهی شامل کاشی و مقرنس های زیبایی است که در زیر تاق سردر خودنمایی می کنند و اوج تجربه و نبوغ کاشیکاری هنرمندان را پس از گذشت یکصد سال، از پایتختی اصفهان در خود جلوه گر نموده است. "در" ورودی مسجد همانند در ورودی مسجد جامع عباسی، به طرز باشکوهی از جنس چوب و با روکش طلا و نقره تزئین یافته و اشعاری را همراه با نقوش مختلف، هنرمندان قلمزن و زرگر بر روی آن نقش بسته اند. در سر در ورودی کتیبه ای از کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی به خط ثلث وجود دارد، که به خط "عبدالرحیم جزائری" است. هم چنین اشعاری نیز به خط نستعلیق بر کاشیکاری های اطراف سر در وجود دارد، که در مدح امیرمؤمنان علی (ع) سروده شده است.

بخش داخلی مسجد، شامل هشتی ورودی، صحن اصلی، بنای گنبدخانه همراه با دو مناره و حجره هائی در دو طبقه است که گرداگرد صحن اصلی را در بر گرفته اند. هشتی ورودی از جمله منحصر به فرد ترین بخش مسجد از نظر تزئینات است. این هشتی دارای سقفی گنبدی شکل است، که درگاه های بزرگی به سمت صحن اصلی و دالان های فرعی دارد. هشتی دارای ازاره هائی از سنگ مرمر است. دیواره های

این بخش با کاشی های زیبای معرق تزئین یافته اند، که در کنار آنها کتیبه های زیبایی با خط "محمد اصفهانی" و "علی نقی امامی" موجود است. سقف هشتی دارای تزئینات کاشی کاری معرق است. هم چنین سنگاب ظریفی نیز در میانه هشتی خودنمایی می کند، که بر زیبایی این بخش از مسجد افزوده است. مدرسه، دارای حیاطی به طول ۶۵/۵ و عرض ۵۵/۵ می باشد. در بخش جنوبی حیاط، بنای گنبدخانه قرار دارد، که دارای گنبدی دو پوش و دوگلدسته به ارتفاع ۳۸ متر است. گنبد و گلدسته ها با کاشی کاری زیبایی آراسته شده اند. کاشی های گنبد همراه با گل و بوته های سفید و زرد و حنائی و به شکل اسلیمی بر زمینه فیروزه ای است. دور گنبد در قسمت پائین آن کتیبه ای حاوی آیاتی از قرآن کریم با خط ثلث است. سرتاسر ایوان، حجره ها، تاق نماها و سقف زیر گنبد همانند مسجد جامع عباسی، پوشیده از کاشی های رنگارنگ است و کتیبه هایی حاوی احادیث ائمه و ستایش چهارده معصوم، که تأکیدی بر مذهب تشیع دوازده امامی ایرانیان است خودنمایی می کند.

هم چنین حیاط اصلی مسجد با درختان کهنسال و سربه فلک کشیده همراه با نهری که از مرکز آن می گذرد و کاشیکاری تمام بدنه حجره ها و ایوان ها صحنه ای روحانی و دلپذیر را برای هر بیننده ای فراهم می آورد. روی همین اصل است، که اکثر گردشگران خارجی، که حتی پس از دوران شکوه اصفهان در عصر صفوی، از این مسجد دیدار کرده اند نتوانسته اند از جاذبه های این مسجد باشکوه سخن نرانند و محو جذابیت های بی شمار آن نشوند.

با توجه به بضاعت اندک علمی و مجال اندکی که در اختیار بود این مختصر کوششی است در جهت معرفی بخش کوچکی از جاذبه های شهری که در قلب فلات تمدن ساز مرکزی ایران قرار گرفته و "موزه ای بزرگ در زیر آسمان خدا خوانندش" یا این امید که مقبول تمامی دوستداران میراث این سرزمین واقع شود.

منابع مقاله در دفتر نشریه موجود است.